وردن

در 15 ربیع الثانی 1326 مسیو استولیپین‏1رئیس الوزرای روس در «دوما»نطقی کرده و حال فنلاند را بیان نمود و آنرا مقصّر شمرده و دولت‏ روس را محقّ بنظر داده در ضمن گفت که عنقریب تغییرات در روابط فنلاند و روسیّه داده خواهد شد،و در 2 جمادی الاولی 1326 وعدهء خود را مجری داشت.بعد از این تاریخ هیچیک از امور فنلاند مستقیما میان حکومت آنجا و امپراطور فیصل نخواهد یافت بلکه تمام امور آنجا باید اوّل بنظر کابینهء وزرای پطرزبورگ پیشنهاد شده و بعد از تصدیق‏ آنها بواسطهء خود آنها بنظر امپراطور برسد.و هیچگونه شکایت و مطلبی‏ بدون رأی آن هیئت بامپراطور نمی‏توان پیشنهاد کرد.باین وسیله فنلاند صورت یک ایالت روسیّه را میگیرد و هیچیک از خواهشهای آن از تصدیق‏ کابینه نمی‏گذرد تا بعد بنظر امپراطور برسد بل همیشه ببهانهء اینکه مخالف‏ منافع دولت امپراطوری است خواهشهای فنلاند ردّ شده و مهمل می‏ماند.

در ماه رجب همین سال 1326«دیت»فنلاند منعقد شد و در 4 شوّال عریضهء بامپراطور عرضه داشت و یادآوری کرد که اعلیحضرت‏ امپراطور روسیّه و«گراند دوک»فنلاند پاس مواعید اجداد خود را نگاه‏ نمیدارد و تکلیف آنان است که بخاطر اعلیحضرت این مراتب را یادآوری‏ نمایند.ولی فردای همان روز برحسب حکم وارد از پطرزبورگ‏ فرمانفرمای کلّ امر نمود تا«دیت»را در بستند.

هیئت وزرا دیگر مختار کلّ در امور آنجا شده و دیگر امپراطور را شخصا مانع از مداخله در امور آنجا گردیدند و دولت روسیّه ببهانهء اصلاح‏ امور کم‏کم در تمام جزئیّات امور فنلاند مداخله کرد.

در 26 محرّم 1327 رئیس«دیت»میخواست اعتراضی بکند فرمانفرمای کلّ برخاسته و حکم بسکوت کرد و 48 ساعت بعد«دیت»را منحلّ نمود.

روزگار فنلاند هنوز اینست و تمام ملّت هنوز مبهوت و نمیدانند نزد کدام کس داوری جونید.

منوچهر فرساد.

وردن

آن جنگ تجاوزی و حمله‏های پی‏درپی که در ابتدای جنگ هر روز شنیده میشد کم‏کم نظر باوضاع میدان جنوب شرقی شکل خود را تغییر داد و بیک جنگ دفاعی تبدیل شد و بتدریج جنگ خندقی از سرحدّ سویس تا دریای شمال بمیان آمد.و پس از آن حملات متواتر اوایل سپتامبر 1914 آلمانها در سایهء موانع طبیعی آن و ایزر جنگ تدافعی را در سمت غرب‏ اختیار کرده و بعد در زمستان در سمت شرق هم همان رویّه را پیش گرفتند. و در مقابل حملات پی‏درپی روسها مانند دیوار آهنین باندازهء ایستادگی کردند تا قوای معنوی روسها بواسطهء این حملات بی‏نتیجه و تلفات بسیار درهم‏ شکست و ذخیرهء آنها رو بتمامی گذارد.از آنجائی که در جنگجوئی و علوم‏ (1) Stolypine

نظامی استفاده از موقعی که دشمن ضعیف است یک مسئلهء مهمّی است‏ و شناختن این موقع اسباب فتح و ظفر و از دست دادن آن اغلب باعث‏ ندامت میشود لهذا آلمانها این موقع را غنیمت دانسته آن حمله‏های مشهور و شایان گرلیچ و تارنو را در ماه مه 1915 بظهور آوردند و آن ضربتهای‏ کذائی را بروسها زدند که تا سالهای دراز بدرد آن گرفتار خواهند بود. در همان زمان یعنی از ماه مه تا سپتامبر 1915 فرانسه‏ها در طرف غرب‏ در آرّاس حملهء بآلمانها آوردند لکن آن شرایطی که برای پیشرفت آلمانها در شرق جمع بود برای فرانسه‏ها جمع نبود لهذا نمی‏توانستند امید پیشرفتی‏ داشته باشند چنانکه حمله‏های آنها غیر از خسارت زیادی برای خود آنها نتیجهء دیگری نداشت.

برای مرّمت آن حمله‏های بی‏نتیجه و خسارات زیاد فرانسه‏ها و انگلیسها متّحدا باز در آرتوا و شامپانی حملهء بسیار سختی بردند که آن هم بواسطهء توپخانهء مکّمل آلمان و خندقهای محکم آلمانی درهم شکست.

در زمانی که آلمانها در شرق و غرب حالت تدافعی اختیار کرده بودند در سربستان از شمال و مغرب یعنی از طرف رودخانهء دانوب و ساو با کمال جدّیت پیش میرفتند.از طرف شرق و جنوب شرقی هم بلغارها با کمال شجاعت در خاک سربستان پیش آمده و طولی نکشید که سه لشکر دلیر آلمانی و اطریشی و بلغاری دوش بدوش فاتحانه این خاک را بکلی مسخّر کردند.

بعد از تسخیر تمامی سربستان در پائیز سال 1915 که تقریبا دو ماه‏ طول کشید آلمانها دوباره نظر خود را بمیدان جنگ غربی معطوف ساخته‏ و خواستند که بفرانسه‏ها پیش‏دستی کرده و بآنها حمله ببرند زیرا که چنان‏ بنظر میآمد که فرانسه‏ها طرح یک حملهء از سمت تول-اپینال بخطّ متس-اشتراسبورگ میریختند.و شاید هم در خیال آن بودند که با انگلیسها معا یک حملهء جناحی در فلاندر از جنوب ایپر و سواحل بلژیک‏ بنمایند.لهذا برای آلمانها لازم بود که فورا از نقطهء حمله کرده و نظر دقّت فرانسه‏ها را بدان نقطه جلب کنند.فقط اشکال در آن بود که این‏ حمله از کدام نقطه و کجا شروع شود.در آرتوا و شامپانی دشمن در پشت‏ موانع محکم بعدّهء زیادی ایستاده بود.دست چپ قوای مرکزی فرانسوی‏ بقلعهء وردن تکیه میکرد و دست راست آنها بقلاع محکم ووژ.و واضح بود که چنین قوای زیادی را فرانسویها فقط بامید قلاع محکمی مثل وردن در آن نقطهء خطرناک شامپانی جمع‏آوری کرده بودند و بامید کمک این قلاع‏ محکم و توپهای زرهپوش آن ممکن بود که فرانسه‏ها فقط قوای کمی در اطراف وردن گرد آورده در آنجا مقاومت کنند.و در مقابل اگر آلمانها میخواستند از نقطهء شامپانی حمله ببرند محتاج بقوای خیلی زیادی بودند. لهذا صواب در این بود که آلمانها بیک قلعهء محکمی حمله برده و یک جناح‏ قشون دشمن را درهم شکنند.در درجهء اوّل قلعهء وردن بود که بایستی‏ هدف گلولهء توپهای مهیب 42 سانتیمتری آلمانی بشود زیرا که عساکر آلمان‏ این قلعه را از پائیز 1914 از شمال و مشرق در داخل یک قوس بزرگی محاصره کرده و این قلعه مدام از طرف جنوب یک خطری برای جناح‏ چپ آلمان بود.

هرچند که یک هجوم سختی بقلاع جلوی وردن امید نتیجهء نداشت‏ لکن باوجوداین فوائد بسیار دیگری در این حمله بود و ممکن بود بدشمن‏ خسارت کلّی وارد آورد چه صف قشون فرانسه در این نقطه چندان‏ پرپشت نبود که بتواند در جلوی حملهء آلمانی مقاومت زیادی بنماید.و بعلاوه‏ در صورتی که فرانسه‏ها در این نقطه یک مقداری اراضی از دست‏ میدادند نه فقط آلمانها دارای چندین فرسخ مربّع زمین میشدند بلکه قلعهء وردن هم مستقیما در خطر میافتاد.بنابراین از پیش واضح بود که‏ فرانسه‏ها با تمام قوی و وسائل خود از قلعهء وردن دفاع خواهند کرد. امّا از آنجائی که در این نقطه یک محاصرهء«استراتژیکی»ممکن بود لازم‏ نبود که آلمانها قوای پیاده نظام زیادی بکار ببرند بلکه بیشتر بایستی با توپخانهء خود کار کنند و بر مقدار این اسلحه بیفزایند.و هر قدر بیشتر پیشرفت‏ میکردند این نقطهء نظر واضح‏تر میگشت که در این نقطه از صف جنگ‏ باید بیشتر از همهء نقاط دیگر ذخیره استعمال کرد.و چونکه راههای زیادی‏ هم در دست داشتند رسانیدن اسلحه و ذخیره باین نقطه اشکال زیادی‏ نداشت.در صورتی که طرف مقابل یعنی فرانسه‏ها فقط یک خطّ راه‏ آهن باین نقطه بیشتر نداشتند و آن هم چون سمت شمالی آنرا توپخانهء آلمانی می‏توانست گلوله‏باران بکند چندان سهل و آسان برای حمل‏ونقل‏ ذخیره نبود.لهذا فرانسه‏ها در عوض خیال اوّلی که میخواستند حمله ببرند برای آنکه بتوانند خود را نگاه دارند مجبور شدند که درصدد دفاع خود برآیند و منع از پیشرفت آلمانها بنمایند.هرچند که فرانسه‏ها با تمام قوای‏ خود دفاع میکنند لکن باز آلمانها بتدریج پیش رفته هر قطعه زمین یا خندقی‏ که از دشمن میگیرند محکم ساخته و باین طریق مثل سدّ آهنین در مقابل‏ هجومهای دشمن ایستادگی می‏نمایند.و چونکه آلمانها در خطّ خارجی قوس‏ که تقریبا دور وردن را گرفته است ایستاده‏اند دشمن نمی‏تواند درست‏ حرکات آنها را بداند و قبلا بفهمد که از کجا حمله خواهند برد تا خود را برای دفاع حاضر نماید.و از آنجائی که دو جتاح صف آلمانی هم در آرگون و سن‏میهیل باندازهء محکم است که یک حمله از طرف فرانسه‏ها بآنها بکلی بی‏نتیجه خواهد بود و یک هجومی در شامپانی یا از تول هم آنقدر قوّه لازم دارد که امروز فرانسه‏ها ندارند لهذا موقع جنگی بعد از 22 ماه کشمکش در غرب برای آلمانها بی‏اندازه خوب و برای فرانسه‏ها بسیار بد است.و در صورت غلبه یقین است که آلمانها در این قسمت کوچک از صف جنگ غربی عدّهء زیادی از عساکر فرانسه را نابود و دستگیر خواهند کرد.

اوّل حملهء که آلمانها بوردن کردند از ساحل راست رود موز در یک طول 10 کیلومتری و عمق 7 الی 8 کیلومتری در یک خطّ شمالی‏ و جنوبی شروع شد.در همان حین هم برای آلمانها لازم بود که فرانسه‏ها را از قسمت شمالی دشت وئور دور نمایند چونکه عساکر یدکی و ذخیرهء آلمان‏ از اینجا باید عبور کنند و در صورت بیرون کردن فرانسویها راه رساندن‏ ذخیره و عساکر یدکی برای قشونی که از طرف شمال شرقی حمله می‏بردند باز میشد.از طرف دیگر آلمانها از ساحل چپ رود موز به پیش قلعه‏های‏ فرژ و بتنکور حمله بردند.این حمله‏ها نتیجهء مستقیم خود را داد و عساکر آلمانی رسیدند بخطّ قلاع دوومون.و هجوم باین خطّ دولت فرانسه را خیلی متأثّر کرد چنانکه بیش از پیش دست‏وپا نموده و بخیال دفاع افتادند.

در 21 فوریه هجوم وردن شروع شد و امروز دایرهء دور وردن‏ باندازهء تنگ شده که شعاعش فقط قریب 20 کیلومتر است در صورتی که‏ خطّ آووکور-سن‏میهیل را قطر دائره فرض کنیم.و از آنجائی که داخلی‏ این نیم دایرهء دور وردن گلوله‏رس توپهای متوسّط 9 الی 10 کیلومتر است یک مقدار زیادی از اراضی را در این نیم دایره میتوان گلوله‏باران‏ کرد،و با توپخانهء سنگین که مرکّب است از توپهای ساحلی میتوان تمام‏ نقاط این نیم دایره را بلا استثنا گلوله‏باران نمود.

و چون فرانسه‏ها باید تمام قوای دفاعیّهء خودشانرا از جنگی و یدکی‏ و ذخیره و اسلحه و توپ و غیره در این نیم دایره جمع نمایند میتوان‏ حدس زد که تلفات آنها در همین حمله‏ها چه اندازه زیاد بوده است و چقدر دیگر تلفات خواهند داد.

امتیاز معادن نفت

از قرار اخبار اخیره روسها از دولت ایران امتیازات استخراج معادن‏ و نفت در ایالات شمالی ایران یعنی آذربایجان و گیلان و مازندران‏ تحصیل کرده‏اند.

بواسطهء این قبیل امتیازات روسها در ایران بیشتر رسوخ و نفوذ پیدا میکنند و روزبروز سرمایه‏داران روسی بتکیهء سر نیزهای قزّاق‏ روس باسارت اقتصادی ایران خواهند کوشید.رشتهء امتیازبخشی بروس‏ که با همعهدی امین السّلطان با روس در 1309 شروع گردید بالأخره‏ بانحصار منابع ثروت ایران بروس خاتمه میپذیرد.

«شرکت نفت انگلیس و ایران»(انگلوپرشن اویل کمپنی)1یک‏ شرکت انگلیسی است که امتیاز تمام معادن نفت ایران باستثنای ایالات‏ آذربایجان و گیلان و مازندران و استراباد و خراسان را دارد.امتیاز مزبور را دارسی نام فرانسوی در سنهء 1318 بموعد 60 ساله از دولت‏ ایران تحصیل کرده و بعدها بشرکت دیگر انگلیسی فروخت که بالأخره آن‏ شرکت نیز بشرکت حالیّهء«انگلوپرشن اویل کمپنی»واگذار کرد.لکن در همان وقت تحصیل امتیاز معادن نفت از طرف انگلیسها ابتدا صحبت معادن‏ نفت تمام ایران بود و بعد بمقاومت و معارضهء روسها ایالات شمالی از دایرهء امتیاز موضوع شد یعنی در واقع برای روسها محفوظ ماند.حالا که‏ قشون روس میدان جولان خود را وسعت داده و عرصه را خالی یافته‏ دولت روس بدولت ایران زور میآورد و آنچه میخواهد بجبر تحصیل میکند.

(1) The Anglo-Persian Oil Company